

بررسی رویکرد شاعرانه ناصر خسرو و پروین اعتصامی به مفهوم انسان و تبیین هنری آن

چکیده

مفهوم انسان به اعتبار نقش و اهمیت بالایی که دارد، در شعر بسیاری از شاعران مورد توجه و تأمل واقع شده است. مفهوم انسان در هنر اسلامی نیز همواره مورد توجه بوده است. بررسی این مفهوم نزد شاعرانی چون ناصر خسرو و پروین اعتصامی و تبیین هنری آن می تواند نکات مهمی را در این باره آشکار سازد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی کوشیده به این مفهوم در شعر ناصر خسرو و پروین اعتصامی بپردازد. تأمل در باب انسان در شعر شاعرانی که به آن اندیشیده اند متفاوت است. مهم ترین شباهتی که در کار دو شاعر مورد نقد و بررسی دیده می شود اهمیت قابل توجهی است که به جایگاه الهی انسان داده اند. در این زمینه هر دو شاعر از کلی گویی درباره انسان اجتناب ورزیده اند و در همین پرداختن به جزئیات است که تفاوت های دیدگاهی خود را آشکار ساخته اند. انسان در شعر ناصر خسرو از ساحت نظری فلسفه یونانی و همچنین آموزه های کلام و فلسفه اسلامی به ویژه اندیشه اسماعیلیه تغذیه می شود. مهم ترین عاملی که در شعر او به انسان نسبت داده می شود گوهر الهی و بی بدیلی است که شایسته مراقبت و سلوک معنوی است. در شعر اعتصامی این رویکرد غائب نیست اما با توجه به از سر گذراندن نوعی اومانیسم (انسان گرایی) خاص دوره مشروطه و بنابر مقتضیات زمان، اعتصامی می کوشد جنبه های زمینی انسان را نیز علاوه بر سویه های معنوی آن در نظر بگیرد. از دیدگاه هنری نیز جنبه الهی و جسمانی وجود انسان هر دو مورد توجه بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی جایگاه انسان و نمادهای آن در اشعار ناصر خسرو و پروین اعتصامی.

۲. تبیین هنری مفهوم انسان در اشعار ناصر خسرو و پروین اعتصامی.

سؤالات پژوهش:

۱. مفهوم انسان در اشعار ناصر خسرو و پروین اعتصامی چگونه بازتاب یافته است؟

۲. چگونه می توان وجوه هنری مفهوم انسان در اشعار ناصر خسرو و پروین اعتصامی را تبیین کرد؟

کلیدواژه ها: انسان، اومانیسم، ناصر خسرو، پروین اعتصامی، تبیین هنری.

مقدمه

«خدا، طبیعت و انسان» مثلثی است که مفاهیم بنیادین و اصلی در مقام مضمون هنر شاعران و هنرمندان را تشکیل می‌دهند. بدون تردید خاستگاه هر مفهوم دیگری از این سه‌گانه نشأت می‌گیرد. در این میان، انسان در مقام موجودی که واسطه میان خدا و طبیعت است نقشی اساسی دارد. انسان از هر دو ضلع یادشده نام و نشانی دارد. بُعدی طبیعی دارد و سرشت و سیرتی خدایی. شاعران، نقاشان، موسیق‌دانان و در عصر ما سینماگران بسیاری به مفهوم انسان در آثار خویش پرداخته‌اند. علاوه بر این، چنین رویکردی را یکی از مقوم‌های اصلی و سازنده عرصه اندیشه و هنر قلمداد کرده‌اند که بدون آن نمی‌توان به هنر متعالی و ارزشمند دست یافت. به همین منظور، بررسی‌های تطبیقی و مقایسه‌ای در باب چگونگی پرداختن به مسئله انسان، ابعاد الهی و زمینی او و خصایص نیک و شرّ او می‌توان راه‌گشای درک درستی از تاریخ پیشرفت فهم هنری از این مقولات باشد. برای چنین بررسی و تحلیلی در این پژوهش، دو شاعر فارسی‌زبان از دوران کلاسیک و معاصر را برگزیده شده است. نخست حکیم ناصر خسرو قبادیانی و دیگری خانم پروین اعتصامی. تا آنجا که به بحث انسان مربوط است به نظر می‌رسد نخستین شاعری که بحث غفلت از وجود خود را برای انسان خطرناک توصیف کرد و آن را سرآغاز سقوط انسان دانست، ناصر خسرو بوده است. این مسئله پدیده‌ای است که در اصطلاح جامعه شناسان امروزی از آن به الیناسیون تعبیر می‌گردد. در این سو در شعر اعتصامی انسان معبر ظهور و بروز اندیشه و احساس و ارزش‌هاست. مشابهت‌های فکری و مضامین مشترکی که درباره ماهیت انسان و صفات و ویژگی‌های او مخصوصاً مباحثی چون خرد و عقل و علم و سخن و رشد و آگاهی که از محورهای اساسی فکر و اندیشه دو شاعر است، وجود دارد امکان واکاوی و جست‌وجوی این تحقیق را به وجود آورد نگاه به انسان در شعر شاعران قدیم و جدید تفاوت‌های اساسی دارد اما در این اصل شبهه یا خدشه‌ای نیست که اهمیت جایگاه انسان بر همه این شاعران آشکار بوده است. باتوجه به این مسئله در نوشتار حاضر می‌کوشد ابتدا موقعیت آدمی در نگاه قدیم و جدید را رصد کند و سپس جایگاه آن در شعر دو شاعر را جداگانه و سپس در یک میدان قیاسی مورد بررسی قرار دهد.

در باب اندیشه‌های انسان‌محورانه در شعر کتاب‌ها، پژوهش‌ها و جستارهای فراوانی نوشته شده و براساس همین دستاوردها رویکردهای تطبیقی نیز به بررسی‌های جدید راه یافته است. در میان آثاری که به موضوعات مشابه در این زمینه پرداخته‌اند می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: محسنی و ریحانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه مفهوم انسان در اندیشه‌های ناصر خسرو و فلوطین» تلاش کرده‌اند تا اندیشه‌های فلوطین، به‌مثابه میراث‌دار گلچینی از فلسفه کلاسیک غربی، با ناصر خسرو به‌منزله متفکری ایرانی و اندیشمندی اسماعیلی، در مقوله انسان مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با هم قیاس کنند. ماحوزی و تاج‌نیا (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ملازمت «انسان» و «خرد» در شعر ناصر خسرو و ابوالعلاء» معتقدند که توجه و شوق به تجربه زندگی عقلی و وجدانی که از آثار هر دو پیداست امکان واکاوی یک موضوع مشترک در اندیشه و شعر ایشان را ممکن می‌سازد؛ به‌ویژه آن که «انسان و ارتقای حیات روحی و باطنی آن» از محورهای اساسی فکر و شعر آن دو به‌شمار می‌آید.

نیک‌منش و ربیع‌پور (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم انسان‌گرایی در اشعار پروین اعتصامی» چنین استنتاج می‌کنند که پروین، شاعر مردم و اجتماع است و انسان و مسائل خاص او دغدغه اصلی اوست. حضور مفاهیم چون: همدردی، شفقت، عدالت و ظلم‌ستیزی و ... وی را به‌عنوان شاعری انسان‌گرا معرفی کرده است. نگاه او به انسان، منحصر به انسان و طبیعت نیست، بلکه انسان در نگاه او در پرتو «وحی» معنی پیدا می‌کند. خدا در رأس و انسان و مردم دو

ضلع دیگر مثلث، انسان‌گرایی پروین را تشکیل می‌دهد. در کنار این مقالات کتاب‌های قابل توجهی نیز دیده می‌شود از آن جمله پژوهش جامع مختاری (۱۳۹۹) با نام «انسان در شعر معاصر» که بر این مسئله تمرکز داشته است. پژوهش حاضر به روش مطالعه کتابخانه‌ای (رجوع به کتاب‌ها، مقالات و بانک‌های اطلاعاتی) انجام گرفته و ابزار گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری از منابع مرتبط بوده است. ابتدا مطالب لازم از طریق فیش‌برداری گردآوری شد.

نتیجه‌گیری

حضور انسان و ویژگی‌های آن یکی از اصلی‌ترین مضامین شاعرانه است که گاه در هیئت ستایش از زندگی، ستایش از خردورزی، جدال وجود و عدم و یا صورت‌های دیگر رخ می‌نماید. نقد نیروهای فراتر از قدرت انسان، حواله اختیار به آدمی و تصریح آن، ستایش از خرد و استدلال و پرداختن به مناسبات اجتماعی میان انسان‌هایی است که اینک فارغ از اساطیر یا رهنمود خدایان زمام اختیار خویش را به‌دست گرفته‌اند. در نوشتاری که از نظر گذشت به تحلیل موقعیت و جایگاه انسان و مفهوم انسان‌گرایی در شعر ناصر خسرو قبادیانی و پروین اعتصامی پرداختیم. مهم‌ترین شباهت دو شاعر در این مورد اهمیتی است که به مفهوم انسان می‌دهند. هر دو صبغه دینی این امر را حفظ می‌کنند و انسان را از عبث بودگی و مصرف‌گرایی صرف برحذر داشته‌اند؛ با این حال تفاوت‌های مهمی نیز در کار شاعری آن‌ها دیده می‌شود. شعر ناصر خسرو که از آموزه‌های حکمی کلامی و فلسفی اسماعیلیه الهام می‌گیرد زمینه یا رسانه‌ای است که در آن رهنمودهایی مطرح شود تا بدانیم انسان باید در این جهان چگونه سلوک کند و رفتار و گفتار و پندار او در چه مسیر و روالی حرکت و سیر یابد. در یک کلام انسان خرد است و ارزش او به دانایی و تعقل وی و دریافت مسیر درست و تمیز آن از امر شرّ. اما در شعر اعتصامی انسان در مناسبات اجتماعی آن نیز دارای اهمیت است. فردیت انسان تنها در رابطه با خداوند ارزش و اهمیت پیدا نمی‌کند بلکه جامعه و اخلاقیات آدمی در عرصه و سنگر امور اجتماعی نیز بسیار مهم است. مؤلفه‌های انسان بودگی در شعر ناصر خسرو شامل تعقل و سخن و دانایی است؛ در شعر اعتصامی همه این موارد مورد قبول است اما مناسبات اجتماعی و روابط سیاسی یعنی ظلم‌ستیزی و گرایش به اخلاق حسنه و مرضیه نیز گامی بلند در راستای حفظ شأن آدمی است. ناصر خسرو آدمی را در عدسی و افق آموزه‌های الهی می‌بیند و در عین حال عقل را ویژگی اساسی او قلمداد می‌کند؛ اعتصامی با این رویکرد مخالف نیست اما آنچه بیشتر در نگاه او به آدمی دیده می‌شود فانی بودن انسان، اخلاقیات او و روابطی است که در نهایت اجتماع انسان‌های فاضل و آگاه را پدید می‌آورد. در این میان مؤلفه یا عنصری مانند عشق، محبت و حتی نوع‌دوستی نیز بسی بیشتر از اشعار ناصر خسرو در کارنامه شعری پروین اعتصامی دیده می‌شود.

منابع و مأخذ

- احسن، عبدالشکور. (۱۳۵۵). یادنامه ناصر خسرو (مجموعه مقالات به مناسبت هزارمین سال ولادت ناصر خسرو). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۲). واژه‌نامه فلسفی مارکس. تهران: نشر مرکز.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۹۰). آواها و ایماها، تهران: قطره.
- اسمیت، رنالد گرگور. (۱۳۸۵). مارتین بوبر. ترجمه مسعود سیف. تهران: حقیقت.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۶۳). دیوان قصاید و مثنویات و تمثیلات و مقطعات خانم پروین اعتصامی. چاپ هشتم، تهران: ایوالفتح اعتصامی.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۷). دیوان با مقدمه ملک‌الشعراى بهار. تهران: نگاه.
- الفاخوری، حنا. (۱۳۶۱). تاریخ ادبیات عربی. ترجمه عبدالحسین آیتی. تهران: توس.
- امام علی. (بی‌تا). غررالحکم. ۱۶۰.
- اونامونو، میگل د. (۱۳۸۵). درد جاودانگی. ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: ناهید.
- ایزدیار، محسن. (۱۳۹۶). «بررسی انسان‌گرایی شاعران معاصر از دیدگاه معرفت‌شناسی». فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۲۸، صص ۴۰-۲۱.
- باختری، واصف. (۱۳۷۰). «ناصرخسرو و نقد فلسفه». فصلنامه حجت، کانون فرهنگی حکیم ناصرخسرو بلخی. شماره ۱، ۲.
- بال، فرزاد و عباسی، حبیب. (۱۳۹۴). «تحلیل رابطه انسان و خدا در میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی با الهام از نظریه «من و تو»ی مارتین بوبر». دو فصلنامه ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۳، ۷۱-۱۲.
- بوبر، مارتین. (۱۳۸۰). من و تو. ترجمه ابوتراب سهراب و الهام عطاردی. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- پریستلی، جی.بی. (۱۳۹۱). سیری در ادبیات غرب. ترجمه ابراهیم یونسی. چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۹۵). دیوان حافظ. به سعی سایه، چاپ هجدهم، تهران: نشر کارنامه.
- حکاک، احمد کریمی. (۱۳۸۴). طلّیعه تجدد در شعر فارسی، تهران: مروارید.
- حکیمی، محمودی. (۱۳۸۵). در مدرسه ناصر خسرو قبادیانی. چاپ دوم، تهران: قلم.
- حمیدیان، سعید. (۱۳۸۳). در ادب پارسی (مقالات و نقدها درباره فردوسی، سعدی، حافظ، پروین و موضوعات مهم ادبی و زبانی). تهران: قطره.
- دهباشی، علی. (۱۳۷۰). یادنامه پروین اعتصامی (مجموعه تعاملات) تهران: دنیای مادر.
- رزمجو، حسین. (۱۳۷۵). انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۰). پروین زنی مردانه در قلم و شعر و عرفان، نقل در: یادنامه پروین اعتصامی، گردآورده علی دهباشی، تهران: دنیای مادر.
- سارتر، ژان پل. (۱۳۸۷). ادبیات چیست؟ تهران: نیلوفر.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۷). از شریعتی. تهران: صراط.
- سعدی، مصلح ابن عبد اله. (۱۳۶۳). کلیات. ویراسته خرمشاهی. تهران: امیر کبیر. چاپ چهارم.
- شریعتی، علی. (۱۳۶۹). انسان (مجموعه آثار ۲۴) تهران: انتشارات الهام.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). زمینه اجتماعی شعر فارسی، تهران: اختران با همکاری زمانه.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). نقد ادبی. تهران: کارنامه.

شمیسا، سیروس. (۱۳۹۱). مکتب‌های ادبی. چاپ دوم، تهران: قطره.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). نگاهی به فروغ. چاپ سوم، تهران: مروارید.

صابرینیا، مهدیه؛ سلطان قرائی، صبا. (۱۳۹۲). «تقابل دو دیدگاه: انسان در معماری اسلامی، انسان در معماری امروز». دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی.

قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۷۰). دیوان به تصحیح مجتبی مینوی. مهدی محقق، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.

ماحوزی، مهدی و تاج‌نیا کیمیا. (۱۳۹۳). ملازمت «انسان» و «خرد» در شعر ناصر خسرو و ابوالعلاء. مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۳۲، ۱۲۸-۱۱۳.

محمدی وکیل، مینا؛ بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۳). «تحریم صورت‌گری تا صورت‌گری عریان: نگاهی به سیر تحول نمایش پیکره انسان در تاریخ هنر و به‌ویژه ایران». نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ش ۲، ۱۶-۵.

محمدی، محمدحسین. (۱۳۸۵). فرهنگ تلمیحات شعر معاصر. تهران: میترا.

مشرّف، مریم. (۱۳۹۱). پروین اعتصامی پایه‌گذار ادبیات نئوکلاسیک ایران. تهران: سخن.

نصری، عبدالله. (۱۳۷۱). سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

نصری، عبدالله. (۱۳۸۶). انسان. تهران: دانشگاه پیام نور.

نوروزی، داود؛ خانی، ثوراله و کرمی، کلوری. (۱۳۹۳). «انسان در دیدگاه سعدی و نیمای یوشیج». مجله مطالعات انتقادی ادبیات. شماره ۲، ۲.

هانسبرگر، آلیس سی. (۱۳۹۰). ناصر خسرو لعل بدخشان (تصویری از شاعر، جهانگرد و فیلسوف ایرانی). ترجمه فریدون بدره‌ای. چاپ دوم، تهران: فروزان.

یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۶). چشمه روشن. تهران: چشمه.

Moayyad, H. (۱۹۹۴). (ed), once a dewdrop, essays on the poetry of parrine'teasami' edited with an introduction by heshmatmoayyad, biblie the ca iranica, literature series #۱, costa meca, calif: mazda publishers.